

ادبیات داستانی و سرنوشت جامعه‌شناسی در ایران

تقی آزاد ارمکی^۱

شهرام پرستش^۲

چکیده

مناسبت ادبیات با جامعه‌شناسی در ارجاع به تجربه مدرنیته دایر مدار مقاله حاضر است. تجربه‌ای که دو سوی دارد: مدرنیزاسیون و مدرنیسم. عبارت دیگر فرایندهای مکمل اقتصادی و فرهنگی امکان عمل مدرن را فراهم می‌آورند. بنابراین پرسش از نقش ادبیات در تکوین جامعه‌شناسی ایران با این دیدگاه تئوریک پاسخ داده شده که گزارش نویسندگان، بعنوان فراهم‌آورندگان لایه ذهنی واقعیت تجدد، ناگزیر در فرآوری عمل مدرن و متعاقباً در تکوین جامعه‌شناسی اثرگذار بوده است. زیرا جامعه‌شناسی بعنوان یک علم مقوم بر تجربه جدیدی است که ادبیات یک بعد از آن را فراهم آورده است. بدین منظور آثار هدایت، آل احمد، دولت‌آبادی و درویشیان برگزیده شد و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی به مفهوم‌شناسی و مقوله‌بندی این مفاهیم در تناظر با لایه‌های مدرنیزاسیون و مدرنیسم اقدام گردید. گزارش نویسندگان فوق‌الذکر حاکی از آن بود که اگرچه آغازگاه تجربه مدرنیته در ایران با توازن همراه بوده است اما به مرور سویه عینی بر سویه ذهنی سبقت گرفته و موجبات عدم تعادل آن را فراهم آورده است. چنانچه نسبت مؤلفه فرهنگ به اقتصاد در آثار هدایت، آل احمد، دولت‌آبادی و درویشیان به ترتیب برابر با $\frac{1}{1}$ ، $\frac{1}{2}$ ، $\frac{1}{3}$ ، $\frac{1}{5}$ است. این روند حاکی از تعمیق تاریخی عدم تعادل در تجربه مدرنیته است.

واژگان کلیدی: تجربه مدرنیته، عمل مدرن، تجربه نامتوازن، فرایند اقتصادی، فرایند فرهنگی،

سویه عینی، سویه ذهنی

۱- استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

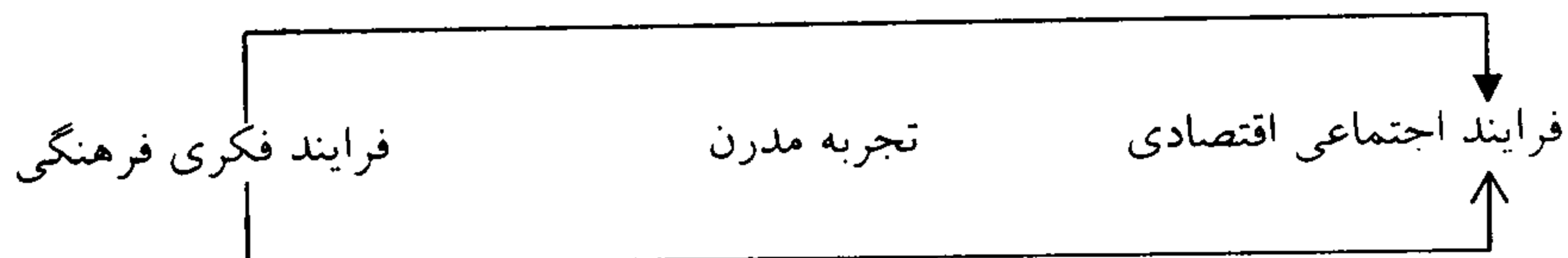
مقدمه

جامعه‌شناسی ادبیات اگر چه به لحاظ تئوریک بر تعاملات جامعه و ادبیات تمرکز دارد (اسکارپیت ۱۳۷۶: ۱۱)، لیکن تحقق تاریخی آن بیشتر مبین بازنمود جامعه در ادبیات است تا بالعکس. در این رابطه می‌توان به آراء جورج لوکاک و میخائیل باختین، دو نظریه‌پرداز بزرگ جامعه‌شناسی ادبیات اشاره نمود. لوکاک حماسه و رمان را در توازی با تمدنهای بسته و باز و به منزله ژانرهای ادبی متناظر با این جوامع در نظر می‌گرفت (لوکاک ۱۳۸۱: ۴۶) و باختین رمان را وابسته به نیروهای مرکز گریز و به عبارت بهتر چندگونگی زبانی می‌دانست (تودورف ۱۳۷۷: ۱۱۸) آشکار است که الگوی اندیشگی این بزرگان بیشتر معطوف به ادبیات است، که سرچشمه آن در همه حال جامعه است. در سالهای اخیر کارهای «وندی گریسولد»، شاهد دیگر این مدعاست، خصوصاً پژوهش مشهور «خصوصیات آمریکایی و رمان آمریکایی» که نقد رویکرد بازتابی را هدف خود قرار داده است (گریسولد ۲۰۰۲: ۱۹۴).

براستی نشان ادبیات بر جامعه چیست؟ و آثار ادبی با جامعه چه می‌کند؟ از این منظر ادبیات کمتر مورد توجه بوده است و بیشترین سابقه شاید به مطالعات مارکسیستی، بازمی‌گردد که در نهایت به گونه‌ای از نقد ایدئولوژیک و با به عبارت دیگر ادبیات انقلابی راه می‌یابد که مورد نظر ژدانف و هوادارانش بود و در مقابله با ادبیات فریب معنی پیدا می‌کرد. فارغ از این سابقه مارکسیستی که در آخرین تحلیل صبغه ابزارانگارانه دارد و با استقلال ادبیات در چالش است، این رویکرد در جامعه‌شناسی ادبیات بیشترین تمرکز خود را بر نقش ادبیات به منزله فراهم‌آورنده ماده ذهنی جامعه مدرن قرار داده و مبین آن است که ادبیات مدرن، عمدتاً رمان، حیات ذهنی جامعه جدید را بنا نموده است. این ادعا وقتی قوت می‌گیرد که به «تاریخ مطالعه در غرب» ارجاع داده شود. رمان به منزله یک متن ادبی، خوانش نو را در سکوت، بصورت خصوصی و تنها با چشم ایجاب می‌نمود (گاولو و چارتیر ۱۹۹۹: ۲۰). از اینجا می‌توان به فرایند تکوین خود و انعقاد نطفه‌های آن به منزله پیامد رمان‌خوانی دست یافت. «تجربه مدرنیته» یکی از مهمترین آثاری است که با این رویکرد تدوین یافته است. ایده محوری مارشال برمن در این کتاب عبارت است از اینکه مدرنیته یک نوع تجربه حیاتی است که متعلق به روزگار ماست و همگان در آن شریکند:

«امروزه مجموعه خاصی از تجربه حیاتی - تجربه زمان و مکان، نفس و دیگران، تجربه امکانات و خطرات زندگی - وجود دارد که مردان و زنان سراسر جهان در آن شریکند. من این مجموعه یا بدنه از تجارب را «مدرنیته» می‌نامم» (برمن ۱۳۷۹: ۱۵).

به لحاظ تاریخی حدود پانصد سال از عمر مدرنیته می‌گذرد و به لحاظ جغرافیایی همگان درگیر آن هستند. در حقیقت مدرنیته واجد مؤلفه‌های معین و از پیش تعریف شده‌ای نیست، بلکه یک تجربه است که ماهیت پارادوکسیکال دارد. نبرد سنت و مدرنیته در این رویکرد معنای دیگری خواهد داشت و هرگز به مثابه نبرد پارادایمیک تلقی نمی‌شود بلکه به معنی این است که ضد مدرن بودن، روی دیگر مدرن بودن است و این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. این تجربه در حد فاصل دولایه صورت می‌گیرد و به عبارت بهتر دیالکتیک فرایندهای اقتصادی - اجتماعی از یکسو و فرایندهای فکری، فرهنگی از سوی دیگر، تجربه مدرنیته را شکل می‌بخشد.



تکنولوژی، صنعتی شدن، بوروکراسی، افزایش جمعیت، شهرنشینی، وسایل ارتباط جمعی، دولتهای ملی و سرمایه‌داری از مؤلفه‌های مهم «مدرنیزاسیون» به حساب می‌آیند که محیط زندگی مدرن را بوجود می‌آورند و در نهایت به جهانی می‌انجامند که انسانها در آن زندگی می‌کنند. اما نهضتهای فکری - فرهنگی موسوم به «مدرنیسم»، سویه دیگر پویشهای اقتصادی اجتماعی است. این جریانها به افکار و ارزشها و خیالاتی دامن می‌زنند که در نهایت به انسان قدرت تغییر جهان را القاء می‌کنند. بدین ترتیب، تجربه مدرنیته حاصل دیالکتیک مدرنیزاسیون و مدرنیسم است (برمن ۱۳۷۹: ۱۶). ذات این تجربه در ساختن و خراب کردن نهفته است. به عبارت دیگر واقعیات زندگی مدرن دائماً در حال شکل‌گیری و از شکل‌افتادگی هستند. از این روست که برمن عنوان فرعی کتاب خود و فصلی از آن را، این جمله مشهور مارکس قرار داده است: «هر آنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود.» این جهان و تجربه آن مستلزم نوع دیگری از انسان است که دیگر قانع نیست و سرشت پیشرونده یا توسعه‌طلب دارد. کوتاه سخن آنکه پروژه مارشال برمن عمدتاً، با

مراجعه به آثار بزرگان ادبیات مدرن نظیر گوته، بودلر، داستایوفسکی، پوشکین، گوگول، چرنیشفسکی، بایلی و ماندلشتام توسعه می‌یابد. و این گویای آن است که این نویسندگان و شاعران چه تجربه‌ای از مدرنیته داشته‌اند و آن را چگونه گزارش کرده‌اند و در مرحله بعد بیانگر مدرنیسمی است که در دیالتیک با مدرنیسمیون، در حقیقت تجربه مدرنیته را شکل می‌بخشد.

تجربه مدرنیته و تکوین جامعه‌شناسی

تجربه مدرنیته، تجربه‌ای متأخر است که سابقه آن به اوایل قرن شانزدهم باز می‌گردد. این دوره تقریباً مصادف است با تکوین عقل مدرن و علم جدید. در حقیقت علوم نوین فرزند ما بعدالطبیعه جدید است و تحولات در افتاده در متافیزیک ارسطویی به تولید این علوم منجر گردیده است:

«لب مابعدالطبیعه جدید علم این است که: فاعلیت و واقعیت از آن عالم ریاضی است، عالمی که عبارت است از اجرام مادی متحرک در زمان و مکان ... در تحولاتی که منتهی به غلبه این بینش متافیزیکی گردید، سه رکن اساسی متمایز وجود دارد: تحولی در تصور رایج از ۱. واقعیت، ۲. کلیت و ۳. ذهن و دستگاه ادراکی انسان. در مرتبه اول، جهان خارجی که ما در آن زیست می‌کنیم دیگر جهانی نیست آکنده از جواهر که به عدد کیفیات محسوسه، اعراض واقعی داشته باشند، بلکه جهان اتم‌هایی است که اوصافی جز اوصاف ریاضی ندارند. در مرتبه دوم، تبیین حوادث برحسب صور جوهری و علل غایی، خواه در جهان ماده و خواه در قلمرو وابسته ذهن بطور کامل متروک افتاده و جای خود را به تبیین به حسب ساده‌ترین اجزاء مولفه داده است. در مرتبه سوم در سایه دو تحول یاد شده، تلاش فیلسوفان علم برای دادن توصیف تازه‌ای از نسبت ذهن انسان با طبیعت، در ثنویت دکارت متجلی است که مولف است از نظریه اوصاف اصیل و تبعی، توطن ذهن در گوشه‌ای از مغز و نظریه تکوین مکانیکی احساسات و عقاید» (برت ۱۳۷۴: ۳۰۱).

علوم نوین در دامن این نوع از مابعدالطبیعه رویش یافت و کپلر، گالیله و نیوتن تنها سه تن از معماران بزرگ آن به حساب می‌آیند. به هر روی اکنون می‌توان دریافت چرا علوم نوین فرزند روزگار جدیدند با آنکه موضوع‌شان قدیم است. به عبارت دیگر سبب همواره از درخت سقوط کرده است اما

فقط نیوتن با مشاهده آن به قانون جاذبه تفتن یافت. به زبان گویاتر تجربه نیوتن از سقوط سیب یک تجربه مدرن به حساب می آید، تجربه ای که متعلق به مدرنیته است. به همین سیاق تولد جامعه‌شناسی در قرن هجدهم میلادی نیز معنی می یابد. زیرا جامعه بعنوان موضوع علم جامعه‌شناسی از قدمت برخوردار است، لیکن جامعه‌شناسی علمی جدید است. آیا نمی توان گفت تجربه آگوست کنت، امیل دورکیم، کارل مارکس و ماکس وبر از جامعه اساساً، تجربه ای مدرن است و با تجربه پیشینیان تفاوت ماهوی دارد. براستی تجربه مدرنیته بنیاد علم جامعه‌شناسی است.

مدرنیته ایرانی و جامعه‌شناسی

تجربه مدرنیته را دیالتیک مدرنیزاسیون و مدرنیسم شکل می بخشد و تنها مؤلفه معین این تجربه ذات متناقض نمای آن است: «هر آنچه سخت و استوار است، دود می شود و به هوا می رود.» تجربه مدرنیته یک تجربه جهانی است که از ویژگی انعطاف^۱ برخوردار است، به این معنی که موقعیت زمانی - مکانی خود را بازمی تاباند. از این روست که برمن از تراژدی توسعه از یکسو و مدرنیسم توسعه نیافتگی از سوی دیگر یاد می کند. بر اساس این الگو، تجربه مدرنیته در ایران، ویژگیهای خاص خود را دارد و سرانجام «مدرنیته ایرانی» را تحقق می بخشد. که به یک معنی مؤلفه‌های مهم آن عبارتند از: ایرانی بودن، معلق بودن، ایدئولوژیک بودن، تناسب کمتر داشتن با سنت، ابهام داشتن، دو قطبی بودن، پیش‌داوری داشتن، اثباتی بودن، تسلط عوامل خارجی بر داخلی، توجه به ساختار سیاسی، تقدس‌زدگی و اعتقاد به ترقی (آزاد ارمکی ۱۳۸۰: ۸۶-۸۰). تجربه مدرنیته در ایران را بدین ترتیب وضعیت جغرافیایی، پیشینه تاریخی، موقعیت استراتژیک، سابقه اسلامی، جمعیت جوان، اقتصاد نفت، توسعه نامتوازن و چندین و چند عامل دیگر شکل می بخشد، که تعیین کننده مختصات مدرنیته ایرانی شمرده می شوند. این نوع مدرنیته بازتاب خود را در علم جامعه‌شناسی داشته است، به گونه ای که سرنوشت جامعه‌شناسی در ایران به نوعی با تجربه مدرنیته در ایران گره خورده و همه مواجهات ایرانیان با مدرنیته در جامعه‌شناسی انعکاس داشته است. به عبارت دیگر همه افت و

^۱. Reflexive

خیزهایی که مدرنیته در ایران با آن روبرو بوده، در جامعه‌شناسی نیز نمود یافته است. جامعه‌شناسی در ایران می‌تواند به تبیین رابطه مدرنیته و جامعه‌شناسی در ایران کمک کند زیرا مؤلفه‌های مدرنیته ایرانی با مؤلفه‌های جامعه‌شناسی در ایران توازی دارد. ویژگی‌های جامعه‌شناسی، نوع تحقیقات و مطالعات انجام شده، مسئله‌شناسی و رویکردهای نظری جامعه‌شناسی در ایران متأثر از مدرنیته ایرانی است. به بیان روش‌تر تاریخ تحولات مدرنیسم در ایران با تاریخ تحولات جامعه‌شناسی در ایران همخوانی دارد. چنانچه وقتی که جامعه ایران در اثر ارتباط با غرب دچار دوگانگی ساختاری می‌شود، جامعه‌شناسی نیز در عرصه اندیشه، تحقیق و نیروی انسانی درگیر این دوگانگی می‌گردد و بین بحرانهای اجتماعی ناشی از توسعه با بحرانهای ساختاری و معنایی در جامعه‌شناسی رابطه وجود دارد (آزاد ارمکی ۱۳۷۸: ۲۹).

انقلاب مشروطه آغازگاه تجربه امر مدرن در ایران است. اصلاحات اقتصادی و اجتماعی از یکسو و تحولات فکری و فرهنگی از سوی دیگر میدان این تجربه را فراهم نمود. چنانکه برنامه‌های توسعه اقتصادی و صنعتی شدن به قصد نوسازی راه‌اندازی شد و همراه با آن فکر قانون به نشانه نوگرایی طرح گردید. تجربه مدرن حاصل تعامل این دو لایه است.

اما همه ایرانیان در صد سال اخیر در بارآوری این تجربه همراه بوده‌اند و نویسندگان به عنوان عاملان مدرنیسم فرهنگی در زایش این تجربه دخالت تام داشته‌اند. بنابراین، گزارش ایشان به اعماق این تجربه راه می‌برد. به تعبیر میشل فوکو، نویسندگان به نهنگانی مانند هستند که در اعماق اقیانوس غوطه ورنند، جایی که از دسترس ماهیان به دور است و سپس برمی‌آیند و گزارش یگانه خود را از دل تاریخ دریا فواره می‌کشند (فوکو ۱۹۸۰: ۷۹). به عبارت دیگر مدرنیته در تجربه نویسندگان نمود می‌یابد و در آئینه ادبیات، خصوصاً رمان به منزله ژانر ادبی دنیای مدرن، جلوه‌گر می‌شود.

ادبیات مدرن از مؤلفه‌های مهم مدرنیسم در ایران است و نویسندگان با آثار خود، در حقیقت، فرهنگ مدرن را شکل بخشیده‌اند. این فرهنگ نرم‌افزار محیطی است که نوسازی سخت‌افزار آن به حساب می‌آید. فارغ از این قضیه ادبیات مدرن به بهترین نحو بازگوکننده تجربه امر مدرن در ایران است. به عبارت دیگر نویسندگان تجربه خود را از امر مدرن گزارش کرده‌اند که می‌تواند به عنوان روایت مدرنیته ایرانی قلمداد گردد. بنابراین با توسل به گزارشات ایشان و کاوش در آنها می‌توان مؤلفه‌های مهم مدرنیته ایرانی را استخراج و در نهایت آن را بازسازی نمود. پس از این صورتبندی

است که ویژگیهای علم جامعه‌شناسی و کیفیت تکوین آن در ایران آشکار خواهد شد. به عبارت دیگر سؤالات راهنمای پژوهش عبارتند از اینکه فرایند مدرنیته را نویسندگان ایران چگونه گزارش کرده‌اند؟ و مؤلفه‌های مهم آن چیست؟ این خصوصیات در علم جامعه‌شناسی و تاریخ آن چگونه نمود یافته‌اند؟

روش‌شناسی پژوهش

صد سال داستان‌نویسی ایران گستره فوق‌العاده‌ای از نویسندگان و آثار ادبی را در برمی‌گیرد که نقطه آغاز آن میرزا فتحعلی آخوندزاده است که به سال ۱۲۵۳ رمان تاریخی «ستارگان فریب‌خورده» یا «حکایت یوسف شاه» را نوشت و تا به امروز این فن که به قول آخوندزاده متضمن خواست ملت و مرغوب طبایع خوانندگان است (عابدینی ۱۳۶۹: ۱۹) ادامه دارد. در این میان آثار بسیار زیادی در قالب رمانهای تاریخی و اجتماعی و روان‌شناسی و در زیر شاخه‌های انقلاب و جنگ و مهاجرت و البته گونه‌های دیگر پدید آمده‌اند که برآستی انتخاب یک نمونه گویا، جهت بازسازی مدرنیته در ایران، را از میان این آثار بسیار متکثر و متنوع با مشکلات فراوان مواجه می‌سازند. چنانچه به نظر می‌رسد هر نمونه‌ای که انتخاب گردد به هر حال محل ایراد است به هر روی در انتخاب نمونه معمولاً، دو معیار از اهمیت بیشتری برخوردار است:

۱. ارزش ادبی

۲. ارزش بازاری

ارزش ادبی را ناقدان ادبی تعیین می‌کنند و ارزش بازاری معطوف به تیراژ اثر است. این پژوهش در وهله نخست به ارزش ادبی اثر توجه داشته است. بدین ترتیب آثاری که عامیانه پسند شمرده می‌شوند از گردونه تحقیق کنار گذاشته شدند و تنها آثاری در محدوده انتخاب باقی ماندند که به مقراض نقد برگزیده شده بودند. پس از این مرحله می‌بایست معیار دیگری به میان می‌آمد تا از این کثیر ارزشمند قلیلی گزینش گردند. تیراژ اثر یا خوانش مخاطبان معیار فرعی گزینش را فراهم نمود. در نهایت چهار نویسنده برگزیده شدند:

۱. صادق هدایت

۲. جلال آل احمد

۳. محمود دولت‌آبادی

۴. علی اشرف درویشیان

چهار نویسنده فوق جایگاه ویژه‌ای در تاریخ ادبیات ایران دارند، رمان‌نویسی در ایران با صادق هدایت هویت پیدا شد. آثار جلال‌آل‌احمد با تاریخ روشنفکری ایران گره خورده است. محمود دولت‌آبادی بزرگترین رمان‌نویس معاصر ایران است و علی‌اشرف درویشیان با نگاهی خاص تحولات اجتماعی ایران را روایت می‌کند. با این حال نمونه مورد بررسی به هیچ روی خالی از اشکال نیست و ادعای آن را ندارد که بهترین انتخاب ممکن را انجام داده است. بلکه صرفاً با عنایت به آن دو معیار و البته با توجه به مضایق دیگر، محدوده پژوهش تعیین شده است.

به هر روی، آثار نویسندگان مذکور به لحاظ مفهومی مورد بررسی قرار گرفت. و با بهره‌گیری از شیوه تحلیل محتوا سعی گردید مفاهیم مدرن شناسایی و استخراج گردند. این مفاهیم به تأسی از پارسنز، ناظر بر چهار حوزه اقتصاد، سیاست، اجتماع و فرهنگ هستند و هر حوزه، بنابر الگوی برمن می‌تواند مشتمل بر مؤلفه‌های مدرنیزاسیون و مدرنیسم باشد که البته وزن هر لایه در حوزه‌های چهارگانه، متفاوت خواهد بود. چنانچه حوزه اقتصاد بیشتر با مفاهیم ناظر بر مدرنیزاسیون سازگار است و حوزه فرهنگ با مفاهیم ناظر بر مدرنیسم. واحد تحلیل در زیر حوزه‌ها، کلمه بوده و در مورد بعضی از داده‌های فرهنگی مضمون شماری حاکم بوده است. همچنین در انتخاب آثار سعی شده است معیار نقد ادبی در اولویت باشد، بنابراین آثاری که از نظر ادبی مهم قلمداد می‌شدند مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند. با این الگو آثار صادق هدایت، جلال‌آل‌احمد، محمود دولت‌آبادی و علی‌اشرف درویشیان به تفکیک بررسی شده‌اند.

صادق هدایت

• آثار مورد بررسی

۱. گناه: شامل داستانهای وسواس، وداع، زندگی که گریخت، آفتاب لب‌بام، گناه، نزدیک مرزن‌آباد، دهن‌کجی، اختلاف حساب.
۲. سه قطره خون: شامل داستانهای آئینه شکسته، داش‌آکل، طلب آمرزش، لاله، صورتکها، چنگال، مردی که نفسش را کشت، محلل، گسسته دژ.

۳. زنده بگور: شامل داستانهای زنده بگور، حاجی مراد، اسیر فرانسوی، داود گوژپشت، مادلن، آتش پرست، آبجی خانم، مرده خورها، آب زندگی.
۴. بوف کور
۵. زنی که مردش را گم کرد: شامل داستانهای سایه مغول، زنی که مردش را گم کرد، شبهای ورامین، سگ ولگرد، تاریکخانه، فردا، غلام.
۶. دیوار: شامل داستانهای کلاغ پیر، تمشک تیغدار، مرداب حبشه، حکایت با نتیجه، کور و برادرش، جلو قانون، شغال و عرب، دیوار، قصه کدو، آب زندگی.

سنخ شناسی مفهومی آثار صادق هدایت

حوزه	ردیف	زیر حوزه	مفاهیم	تعداد
اقتصاد	۱	تکنولوژی:	گلوله، شش لول، مهمات، تفنگ، تیر موتور، اتوبوس، اتومبیل، آمبولانس، بالن، تاکسی، ترن، قایق موتوری، قطار، کشتی، ماشین، هواپیما برق	۸۵
		انرژی		(۱۶)
		ارتباطات		(۴۴)
	۲	متفرقه	تلگراف، چاپ، رادیو، عکس، گرامافون	(۲)
		تأسیسات	ماشین حساب، ماشین ریش تراش، دوچرخه	(۱۷)
		بازار	ایستگاه، جاده، خط آهن	(۶)
۳		تجارت، پول	۹	
مجموع حوزه اقتصاد				
سیاست	۱	سازمانها:	دارلنون، دبیرستان، مدرسه، کتابخانه آسایشگاه، بهداری، بیمارستان، داروخانه، مریض خانه بانک، گمرک، مالیه کارخانه، کمپانی کلاتری، نظمی، ژاندارمری اداره	۵۶
		آموزشی		(۱۳)
		بهداشتی		(۹)
	۲	مالی	کارخانه، کمپانی	(۱۵)
		صنعتی	کلاتری، نظمی، ژاندارمری	(۳)
		نظامی	اداره	(۶)
۳		استخدام، بخشنامه، کار اداری، ماموریت، نامه رسمی، سند، شناسنامه، دفترداری، بیلان، تراز، حقوق	(۱۰)	
۳		حزب، فاشیسم	۳۴	
مجموع حوزه سیاست				
				۵
				۹۵

۶۴	آژان، افسر، امنیه، بازرس، پاسبان، پلیس، ژاندارم، ستوان، سرباز، سرگرد، سروان، گروه‌بان، مدیر، معلم، دکتر، بازیگر تئاتر، پست‌چی، پیشخدمت، تاجر، حسابداری، تلگرافچی، رئیس، روزنامه‌فروش، ساعت‌ساز، شوfer، کارمند، منشی، ناظم، وکیل، عکاس.	مشاغل جدید	۱	اجتماع
۲	اتحادیه	انجمن‌ها	۲	
۷	اعتصاب، جنبش، خرابکاری، شورش، تیرباران، حکومت نظامی.	نقد اجتماعی	۳	
۲	قمار، تریاک	مسائل اجتماعی	۴	
۷۵	مجموع حوزه اجتماع			
۴۶	مد جدید، پوکربازی، تانگو، دانسینگ، رقصخانه، سیگار، استخر، بال‌کلوب، پارک، پلاژ، سیرک، کازینو، گاردن پارتنی، لونا پارک	سبک زندگی	۱	فرهنگ
۴	قانون، آزادی	ارزش‌ها	۲	
۱۰۰	تنهایی، گفتگو با خود	خود	۳	
۳	فلسفه	عقلانیت و علم	۴	
۱۱	تئاتر، فیلم، گیتار، موزیک، ویلن	هنر	۵	
۱۳	روزنامه، مجله	مطبوعات	۶	
۱۷۷	مجموع حوزه فرهنگ			
۴۶۱	مجموع چهار حوزه			

تفسیر جدول

در حوزه اقتصاد بیشترین فراوانی متعلق به تکنولوژی است که در این زیرحوزه، ماشین‌آلات بیشترین سهم را دارند. تکنولوژی نظامی نیز از فراوانی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. اما تأسیسات زیربنایی نظیر جاده و راه‌آهن انعکاس چندانی در آثار هدایت نداشته است، از همین جا می‌توان به نوع مدرنیزاسیون در ایران وقوف یافت. به عبارت دیگر، بنابر گزارش هدایت، مدرنیزاسیون در ایران از زیرساختهای لازم برخوردار نبوده و بیشتر صبغه روبنایی و نظامی دارد. در حوزه سیاست، بیشترین فراوانی به زیرحوزه سازمانها اختصاص دارد. البته زیرحوزه سازمانها به همراه بوروکراسی واقعیت این حوزه را به طور کلی شکل می‌دهند. سازمان و بوروکراسی بنابر رأی ماکس وبر از لوازم جامعه مدرن به حساب می‌آیند و گزارش هدایت حاکی از باز نمود عقلانیت مدرن در قالب سازمانها و بوروکراسی

در ایران است. در حوزه اجتماع، بیشترین فضا متعلق به مشاغل جدید است. در واقع مشاغل جدید بیشترین نقش را در ساختار اجتماعی، حداقل در میان چهار مقوله، مشاغل جدید، انجمنها، نقد اجتماعی و مسائل اجتماعی ایفا می‌کنند. مشاغل نو از تغییر سبک زندگی و متعاقباً از نحوه تفکر جدید خبر می‌دهند. در اینجا نیز شمار مشاغل نظامی چشمگیر است که با توجه به بازتاب آن در آثار سه نویسنده دیگر به شیوه زندگی نظامی‌گری در مدرنیته ایرانی اشاره دارد. این نکته قابل تأمل است و با احتیاط بیشتر باید در مورد آن اظهار نظر نمود. اما قلت مفاهیم ناظر بر انجمنها در زیر حوزه اجتماعی، به نوعی از کمبود این نوع سرمایه اجتماعی در مدرنیته ایرانی خبر می‌دهد که همواره مورد بحث جامعه‌شناسی توسعه نیافتگی در ایران بوده است. در حوزه فرهنگ بیشترین فراوانی تعلق به خود مدرن دارد و مفاهیم ناظر بر خود. آثار هدایت در این مورد یک استثناء است. چنانچه در مورد نویسندگان دیگر این زیر حوزه کمترین مفاهیم را به خود اختصاص داده است. بیشترین سهم در این مفهوم‌شناسی به رمان "بوف کور" و داستان کوتاه "سه قطره خون" متعلق است. به هر روی تنها نمی‌توان با تکیه بر آثار هدایت به تکوین خود مدرن در ایران رأی داد. چنانچه آثار نویسندگان دیگر این قضیه را تأیید می‌نمایند. مقوله دیگر سبک زندگی است که باز هم خبر از تغییر شیوه زندگی و شکل‌گیری نوعی از نظام سرمایه‌داری وابسته در ایران می‌دهد.

در جمع‌بندی این بخش می‌توان گفت تجربه امر مدرن در حد فاصل دو لایه مدرنیزاسیون و مدرنیسم صورت می‌گیرد که بنابر گزارش هدایت این دو لایه از دیالکتیک تقریباً متعادل برخوردار است. چنانچه فراوانی حوزه اقتصاد به عنوان نماینده لایه مدرنیزاسیون برابر با ۱۱۴ مفهوم است که با ۱۷۷ مفهوم حوزه فرهنگ تفاوت فاحشی ندارد. بنابراین گزارش هدایت از تجربه مدرنیته حکایت از یک تجربه تقریباً متوازن دارد که ذهنی عینی آن تقریباً برابر است.

جلال آل احمد

• آثار مورد بررسی

داستانهای روزهای خوش، میزان، دفترچه بیمه، نوالقلم، در راه چالوس، الگمارک و المکوس، خواهرم و عنکبوت، شوهر آمریکایی، تجهیز ملت، دره خزان زده، آبروی از دست رفته، زن زیادی، خدادادخان، خانم نزهت الدوله، آرزوی قدرت، شمع نذری، روزهای خوش، گلدان چینی، محیط تنگ، اعتراف، جشن فرخنده، زیر آبیها، مسلول، گلدسته‌ها و فلک، نوبر توت‌فرنگی، سه‌تار، لاک صورتی، دید و بازدید عید، زیارت، عکاس با معرفت، جاپا، بچه مردم، سمنوپزان

تعداد	مفاهیم	زیر حوزه	ردیف	حوزه
۱۹۱ (۳۰) (۸۳)	پمپ، پنچ‌تیر، تفنگ، توپ، گلوله، مسلسل، هفت‌تیر، تراکتور، موتور، آمبولانس، موتور آسیاب، اتوبوس، اتومبیل، تاکسی، جیب، سواری، طیاره، قایق موتوری، اتوبوس دوطبقه، قطار، کامیون، لندروور، ماشین، موتور سیکلت، وانت، هواپیما.	تکنولوژی: نظامی ماشین‌آلات	۱	اقتصاد
(۱۲)	برق، سونیچ، شمع برقی، کنگ برقی، نوله‌کشی	انرژی		
(۵۲)	تلگراف، تلفن، چاپ، دوربین، رادیوگرام، گرامافون، عکس‌برداری	ارتباطات		
(۲)	رادیولوژی	بهداشتی		
(۱۲)	دستگاه حوجه‌کشی، زنگ‌اختر، مته، دوچرخه، کولر، ماشین‌رخشویی، پنجمال، ماشین‌ریش‌تراش	متفرقه		
۶	جاده، آسفالت			
۱۲	بازار، دکان، تجارت‌خانه، سرقلی، معامله، مغازه، پاساژ، سوپرمارکت.	تأسیسات بازار	۲ ۳	
۲۰۹	مجموع حوزه اقتصاد			
۱۴۴ (۶۴) (۷) (۱۴) (۱۲) (۲۲) (۲۵)	اداره فرهنگ، آموزشگاه، دارالفنون، دانشسرا، دبیرستان، دفتر مدرسه، بانک، بانکداری، بانک کشاورزی، تلگراف‌خانه، کمپانی، کارخانه، مرغداری، کارگاه پارچه‌بافی، دادسرا، دادگاه، دادگستری، آموزشگاه گروه‌های، باشگاه‌افسران، باشگاه ژاندارمری، شهرنانی، کلابتری، سربازخانه، کمیسری.	سازمان‌ها: آموزشی مالی صنعتی قضایی نظامی متفرقه	۱	سازمان

۲۵	گمرک، اداره آمار، اداره پست، اداره ثبت، اداره روزنامه، خبرگزاری، دفترخانه، محضر، سازمان برنامه و بودجه، سفارت.	متفرقه	۲	
۵۶	کاغذبازی، استخدام، اضافه حقوق، بازنشستگی، بایگانی، ترفیعات، حکم، رتبه اداری، سابقه خدمت، صورت جلسه، فساد اداری، کار دولتی، ماموریت، سند مالکیت، موجب، قبض، امضاء، شناسنامه، سرشماری، جواز، قبالة.	بوروکراسی		
۲۲	حکومت، سیاستمدار، دولت، کابینه، وزارت جنگ، وزارتخانه، وزارت فرهنگ، هیئت دولت، پارلمان، مجلس.	دولت مدرن	۳	
۱۵	تشکیلات، حزب، دمکرات، کمونیست، کمیته حزبی، امپریالیسم، کمیته مرکزی، مسائل حزبی، میتینگ، پراگماتیسم، اپوزسیون.	احزاب	۴	
۲۳۷		مجموع حوزه سیاست		

سنخ‌شناسی مفهومی آثار جلال آل احمد

تعداد	مفاهیم	زیر حوزه	ردیف	حوزه
۱۷۰	آژان، استوار، افسر، امنیه، پاسبان، تیمسار، رئیس پاسگاه، رئیس دزیان، ژنرال، ستوان، سرباز، سرگرد، سروان، سرهنگ، گروهان، دوا فروش، دادیار، قاضی، نماینده مجلس، استاد، بازرگ، بازرگان، بلیط فروش، بستچی، تاجر، حقوق دان، خدمتکار، خلبان، دادرس، دکتر، دوچرخه ساز، رئیس اتحادیه، رئیس اداره، رئیس بانک، رئیس دانشگاه، رئیس شهربانی، رئیس کلانتری، رئیس معدن، راننده، روزنامه فروش، روزنامه نویس، ستاره سینما، سردبیر، سفیر، شوfer، طبیب، کتابدار، کاپیتان، ماشین نویس، مترجم، محضر دار، مدیر، معاون، معلم، مکانیسین، منشی، مهماندار، مهندس، ناظم، نماینده مجلس، وزیر.	مشاسغل جدید	۱	اجتماع
۵		انجمن‌ها	۲	
۲۴	اتاق تجارت، اتحادیه، اجتماعات، خانه فرهنگ.	نقد اجتماعی	۳	
۷	امپریالیسم، دیکتاتوری، بورژوازی.	مسائل اجتماعی	۴	
۳	تقلب، رشوه، شرب خمر، قمار، خیابان، زندگی شهری	مسائل اجتماعی شهر	۵	
۲۰۹		مجموع حوزه اجتماع		

۴۶	آرایش و پیرایش، تغییرات مد، موی سر، کراوات، لباس عروس، مانیکور، سیگار، اوقات فراغت، پارک، پلاژ، رقص، تانگو	سبک زندگی	۱	فرهنگ
۵	آزادی، امنیت، ملت، دموکراسی	ارزش‌ها	۲	
۵	تنهایی، عشق	حود	۳	
۱۱	کنفرانس علمی، اقتصاد، باستان‌شناسی، تاریخ ژنتیک، شرق‌شناسی، هندسه	عقلانیت	۴	
۱۱	ارکستر، سینما، صحنه نمایش، فیلم نمایشگاه، نقاشی موزه	و علم	۵	
۲۹	روزنامه، مجله، مطبوعات، هفته‌نامه	هنر مطبوعات	۶	
۱۰۷	مجموع حوزه فرهنگ			
۷۶۲	مجموع چهار حوزه			

تفسیر جدول

در حوزه اقتصاد بیشترین فراوانی متعلق به تکنولوژی ماشین‌آلات است. در واقع محیط تکنولوژیک را در وهله نخست وسائط نقلیه شکل می‌دهند. پس از آن تکنولوژی نظامی بیشترین تأثیر را در زندگی مردم داشته است. مفاهیم ناظر بر زیر حوزه بازار، نیز دال بر نوعی از نظام سرمایه‌داری و نطفه‌بندی آغازین آن است. در حوزه سیاست بیشترین سویه را سازمانهای بوروکراتیک به عهده دارند و مقوله دولت مدرن نیز از جمله این سازمانهاست. بنابراین، سویه سخت‌افزاری تجربه مدرن از صبغه ساختاری برخوردار است. ضمن آنکه مفاهیم ناظر بر دولت مدرن انعکاس نوسازی سیاسی است که ملازم با شکل‌گیری احزاب می‌باشد. بیشترین سهم را در حوزه اجتماع مشاغل جدید به خود اختصاص داده است. در واقع حوزه اجتماع دال بر تحولات عمده شغلی است که به نوعی از وضعیت فکری متفاوت خبر می‌دهد و از سوی دیگر مؤید شکل‌گیری بوروکراسی است. در بین مشاغل جدید مشاغل نظامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که بیانگر جایگاه نظامیان در تاریخ مدرنیته ایران است. همچنین قلت مفاهیم ناظر بر انجمنهای جدید نظیر اتحادیه‌ها تأمل برانگیز است. اما مفاهیم متناظر با مقوله نقد اجتماعی نشانگر مقاومت در مقابل قدرت است که این مقاومت یا متعلق به نیروهای سنتی است و یا مهمتر از آن نتیجه تحولات ساختی و تعمیق اندیشه مدرن در قالب شعار آزادی، برابری و برادری است. مارشال برمن به گونه تحسین برانگیزی ملازمت خیابان و نقد قدرت را در انقلاب روسیه نشان داده است، زیرا خیابان به خودی خود امکان حضور و مقابله با قدرت را برای

توده مردم فراهم می‌آورد و اساساً انسان جدید در خیابان متولد می‌شود (برمن ۱۳۷۹: ۲۶۰). در مورد ایران نیز این ملازمت می‌تواند معنی‌دار باشد. در حوزه فرهنگ تغییر سبک زندگی خبر از تحولات فرهنگی متناظر با تحولات اقتصادی می‌دهد. در واقع مفاهیم ناظر بر این زیر حوزه، از شکل‌گیری سبک نوین زندگی و تغییر ذائقه فرهنگی حکایت می‌کند، به بیان بوردیو این تغییر ذائقه با تحولات ساختی جامعه ملازمت دارد همچنانکه شکل‌گیری طبقات جدید با تمایز سبک‌های زندگی همراه است (پیر بوردیو ۱۹۸۴: ۷۱). کثرت مفاهیم متناظر با مقوله مطبوعات بیانگر این است که مطبوعات به عنوان رکن چهارم دمکراسی به آرامی جای خود را در زندگی جدید باز می‌کنند.

در نهایت با نگاهی اجمالی به فراوانی مقولات حوزه فرهنگ در مقایسه با حوزه اقتصاد، تقریباً، بیانگر آن است که واقعیت فرهنگی جامعه جدید در توازی با واقعیت اقتصادی قرار نداشته و $\frac{1}{4}$ از یک تأخر رنج می‌برد. به عبارت دیگر تجربه امر مدرن در چنین شرایطی یک تجربه نامتوازن خواهد بود. به گونه‌ای که سویه سخت‌افزاری این تجربه با سویه نرم‌افزاری آن همخوانی لازم را ندارد. البته به نظر می‌رسد این عدم توازن چندان به مسئله‌ای حاد تبدیل نشده است، بلکه نشانه‌های عدم توازن آرام آرام در حال شکل‌گیری است.

محمود دولت‌آبادی

آثار مورد بررسی

- ۱. کارنامه سپنج
- ۲. روزگار سپری شده مردم سالخورده (جلد ۱: اقلیم آباد)
- ۳. جای خالی سلوچ
- ۴. کلیدر (جلد ۴ و ۳، ۲، ۱)

سنخ شناسی مفهومی آثار محمود دولت آبادی

تعداد	مفاهیم	زیر حوزه	ردیف	حوزه
۱۴۵۹ (۷۳۹) (۳۳۴) (۲۴) (۱۴۳) (۳۱۹) ۳۷ ۱۰۱	تفنگ، گلوله، بمب، مسلسل، تفنگ، برنو، توپ نظامی، موزر، اسلحه موتور سیکلت، ماشین، اتوبوس، تاکسی، قطار، اتومبیل، آمبولانس، هواپیما، کامیون، تراکتور، نفتکش، اتوبوس، موتور لامپ برق، تلخه آب، آب لوله کشی، برق چاپخانه، ماشین چاپ، موسسه انزلی، تلفن، تایپ، فیلم، عکس، گرمافون، رادیو، پست، تلگراف کبریت، ماشین حساب، دوچرخه، ساعت، عیك، ماشین ریش تراش، پنکه، جراغ، دوربین، عکس خط آهن، خط شوسه، ایستگاه، راه آهن، راه سازی، نیروگاه، آسفالت، پالایشگاه سوداگران، فروشگاه، پول، تجارت، داد و ستد، معامله، خرید و فروش، تجارتخانه، دلالی، اسکناس، تومان	تکنولوژی نظامی ماشین آلات انرژی ارتباطات متفرقه تأسیسات بازار	۲ ۳	اقتصاد
۱۵۹۷	مجموع حوزه اقتصاد			
۳۱۶ (۴۳) (۶) (۳۰) (۱۳۴) (۵۵) (۴۸) ۷۶ ۷۵ ۳۹	کتابخانه عمومی، آموزشگاه، کتابخانه، دانشگاه، مدرسه، کلاس، اداره فرهنگ، دبیرستان، دبستان دارایی، بانک، مالیه کارخانه، کارگاه پاسگاه، نظمی، ارتش، یادگاه، ژاندارمری، مرکز پلیس، سربازخانه، شهربانی، گروهان، دستگاه انتظامی، گردان، هنگ، جوخه، ستاد پست، اداره، شهرداری، شرکت، دیوان، استانداری، ثبت احوال، محضر، فرمانداری بهداری، بیمارستان، مرخص خانه سیاهه، کادر ثابت، بازنگری، حکم اشتغال، بوروکراسی، پرونده، شناسنامه، گواهی، ابلاغ، استناد، استخدام، اسناد رسمی عدلیه، دولت، مجلس، کمیسیون، قدرت سیاسی، محکمه، دادگستری نازیسم، ناسیونالیسم، لیبرالیسم، صهیونیسم، توده ای، بلشویک، فعالیت سیاسی، دمکرات، فاشیسم	سازمانها آموزشی مالی صنعتی نظامی متفرقه بهداشتی بوروکراسی دولت مدرن احزاب	۱ ۲ ۳ ۴	سیاست
۵۰۶	مجموع حوزه سیاست			
۱۲۸۵ ۱۸ ۷۷ ۱۸۶ ۳۸۲	سرباز، تفنگچی، افسر، گروهان، سر جوخه، ژاندارم، پاسبان، مشاغل دولتی، شهردار، بازپرس، وکیل، امین، استوار، سرگرد، محضر دار، متصدی، سرهنگ، پلیس، بازیگر تئاتر، عکاس، آرتیست، دکتر، معلم، دانشجو، دادستان، دامپزشک، روزنامه نویس، کارگر، سرکارگر، دلال، پرستار، سپور، نگهبان، سوزنیان، مهندس، راننده، مدیر فروشگاه، شوهر، خلبان، کارمند، مدعی العموم، تاجر، فرماندار، افسر، کلانتر، مامور دولت، پزشک، مشاغل زنانه حانه فرهنگ، حانه نمایش، استادبوم، باشگاه، مرکز تئاتر، انجمن حانه و مدرسه، انجمن شعر، کانون بی نوایان، سازمان جوانان، اتحادیه قیام زنان، کودتا، تظاهرات، تحصن، حکومت نظامی، نظام ارباب و رعیتی فرهنگ بیگانه، مهاجرت، قاچاق، از هم گسیختگی خانواده، اعتیاد، جرم، بیکاری، قمار، ورق بازی، شرب خمر، آلودگی شهرها، سرقت شهر جدید، شهرسازی، شهر، خیابان، خدمات شهری، شهروند	مشاغل جدید انجمنها نقد اجتماعی مسائل اجتماعی شهر	۱ ۲ ۳ ۴ ۵	اجتماع
۱۹۴۸	مجموع حوزه اجتماع			
۳۹۳ ۵۰	ارایش، دستمال گردن، کراوات، روزمرگی، سیگار، سنت شکنی، بایون، کت و شلوار، لباس فرنگی، چراغانی، ریش تراشیدن، سنت شکنی در ازدواج، سنت شکنی زنان، سنت شکنی در تکریم بزرگسالان، پارک،	سبک زندگی ارزشها	۱ ۲ ۳	فرهنگ

۳۶	گردشگاه، آزادی، دمکراسی، قانون، ملت، امنیت، تنهایی، تامل در خود، وانهادگی، اضطراب، عشق.	خود	۴	
۱۲		عقلانیت و علم	۵	
۴		هنر	۶	
۱۲	فیزیک، عقل مدرن، تئاتر، سینما، روزنامه	مطبوعات		
۵۰۷		مجموع حوزه فرهنگ		
۴۵۵۸		مجموع چهار حوزه		

تفسیر جدول

در حوزه اقتصاد از مجموع ۱۵۹۷ مؤلفه احصاء شده، ۱۴۵۹ مؤلفه مربوط به تکنولوژی است و این به معنی غلبه فضای تکنولوژیک در آثار دولت‌آبادی است. البته از این نکته نباید غافل ماند که تکنولوژی‌های نظامی بیشترین سهم را در زیر حوزه تکنولوژی، به خود اختصاص داده‌اند و این نشان از نوسازی نظامی و نوع مدرنیزاسیون در ایران دارد که ناگزیر به تجربه راه یافته است. تکثر نسبی مؤلفه‌های ناظر بر مقوله بازار به معنی گسترش سوداگری و نظام سرمایه داری است، و قلت مفهومی تأسیسات بیانگر ضعف بنیادهای مدرنیزاسیون در ایران است. در حوزه سیاست سازمانهای بوروکراتیک نقش عمده‌ای را در نوسازی اداری ایران ایفا می‌نمایند. چنانچه مفهوم بوروکراسی بیشتر به تجربه درآمده است. البته سازمانهای نظامی بیش از مقولات دیگر گزارش گردیده‌اند. همچنین کثرت مؤلفه‌های ناظر بر دولت مدرن از استقرار نسبی دولت و گسترش حوزه تحت سیطره آن حکایت می‌کند. در حوزه اجتماع مشاغل جدید همچنان رو به فزونی دارند. چنانکه ۱۲۸۵ شغل شمرده شده نشانه شکل‌گیری آگاهیهای منزلتی متفاوت است. کثرت مفهومی شهر از گسترش شهرنشینی و نقش شهرها در مدرنیته ایرانی خبر می‌دهد، به عبارت دیگر شهر، محیط تجربه مدرن را شکل می‌بخشد و تولد مفهوم شهروند را میسر می‌سازد. همچنین کمیت و کیفیت مسائل اجتماعی دال بر تکوین روزافزون فرایند مدرنیته در ایران و آسیب‌شناسی آن است. در حوزه فرهنگ مؤلفه‌های ناظر بر سبک زندگی بیشترین سهم را دارند. این مفاهیم بیانگر شکل‌گیری شیوه نوین زندگی در تطابق با فرایند مدرنیته‌اند. ارزشهای دنیای جدید نیز در فضای فرهنگی جامعه رو به تزايد دارند. چنانچه مفهوم ملت در این حوزه با دولت در حوزه سیاست همخوانی دارد زیرا تکوین دولت مدرن

در ایران مستلزم شکل‌گیری ملی‌گرایی است. اما مؤلفه‌های ناظر بر تکوین خود از فراوانی چندانی برخوردار نیستند این موضوع میتواند یادآور بازاندیشانه بودن مدرنیته ایرانی باشد. همان خصیله‌ای که آنتونی - گیدنز آنرا از پیامدهای مدرنیته در غرب به حساب می‌آورد (گیدنز ۱۳۷۷: ۴۴).

به هر روی، نسبت حوزه فرهنگ به حوزه اقتصاد، به عنوان دو حوزه کاملاً متفاوت و معطوف به دو لایه ذهنی و عینی تجربه امر مدرن، در گزارش محمود دولت‌آبادی از فرایند مدرنیته در ایران حدود $\frac{1}{3}$ است، که این نسبت بیانگر عدم توازن در تجربه مدرنیته ایرانی است. به عبارت دیگر این عدم توازن به آهستگی با تعمیق تاریخی خود به ویژگی مدرنیته ایرانی تبدیل می‌گردد.

علی اشرف درویشیان

• آثار مورد بررسی

سلول ۱۸

همراه با آهنگهای بابام: شامل داستانهای مادر نمونه من، انار، سحر در سبد
از این ولایت: شامل داستانهای خالو رسول، موتور برقی، سه خم خسروی، زمین، کاه، ندارد،
قبرگیری، هتاو، گازولک، گرگ، کاکه مراد، تیشه
آبشوران: شامل داستانهای خانه ما، بیالون، عمو بزرگه، بی، حمام، آب پاش، صلح، بیماری، باغچه
کوچک، ننه جان چه شده، ماهی در نقلدان.
رنگینه: شامل داستانهای رنگینه، کی برمی‌گرددی داداش جان
فصل نان: شامل داستانهای حد نفتی، یک روز، عشق و کاهگل، بابای معصومه، دکان بابام، آبگوشت
آلوچه.

سالهای ابری (جلد ۴ و ۳، ۱، ۲)

سنخ‌شناسی آثار علی اشرف درویشیان

تعداد	مفاهیم	زیر حوزه	ردیف	حوزه
۱۲۷۵ (۲۲۵)	تفنگ، گلوله، بمب، هفت تیر، اسلحه، ده تیر، مسلسل، توپ، تانک، تیر، موتور، ماشین، اتوبوس، وانت بار، هواپیما، طیاره، کامیون، سواری، مینی بوس، دوج، اتومبیل، هلی کوپتر، تریلی، لودر، تاکسی، آمبولانس	تکنولوژی: نظامی	۱	اقتصاد
(۴۰۰) (۱۰۰)	آب، برق، راکتور، نورافکن، فیوز، لامپ، ضبط صوت، تلویزیون، رادیو، گرامافون، دوربین، میکروفون، تلفن، تلگراف، آنتن، محابرات، بی سیم	ماشین آلات انرژی ارتباطات		
(۲۲۹)	ساعت، دوچرخه، پریموس، ماشین ریش تراش، چرخ گوشت، ماشین حساب، کولر، دریل، مته، باتری، دستگاه فتوکپی	متفرقه	۲	
۱۱۳ ۱۵۷	شرکت نفت، پالایشگاه، جاده، ریال، اسکناس، قسط، سفته، چک، تومان	تأسیسات بازار	۳	
۱۵۴۵	مجموع حوزه اقتصاد			
۷۶ (۲۳) (۱۹)	مدرسه، کلاس، دانشگاه، دانشسرا، دبیرستان، دبستان، راهنمایی، کتابخانه، بازداشتگاه، نظمی، سربازخانه، کلانتری، پاسگاه، گارد، شهربانی، ژاندارمری، سازمان امنیت، پادگان، ساواک	سازمان‌ها: آموزشی نظامی	۱	سیاست
(۱۶)	بیمارستان، تیمارستان، داروخانه	بهداشتی متفرقه	۲	
(۱۸) ۴۴ ۳۴	دیوان، نت احوال، محضر، اداره، کمپانی، گمرک، سازمان مسکن، گواهینامه، کارت شناسایی، شناسنامه، کارگزیسی، استخدام، بازنشستگی، حقوق، ابلاغ، حکم، آمارگیری، دیپلم، کارنامه، لیسانس	وزارت‌های دولت مدرن	۳	
۲۵ ۴۰	مجلس، پارلمان، دولت، کابینه، وزارت جنگ، وزیر، عدلیه، دادگاه، دیوانخانه، دادگستری، جمهوری، نخست وزیر، مشارکت سیاسی، فعالیت‌های سیاسی، امپریالیسم، آنارشیزم، حزب، حزب نوده، توده‌ای، حزب رستاخیز، دمکرات، جبهه ملی، لیبرال، پان ایرانیست، کمونیسم، فدایی، فاشیسم، جپی، چریک	احزاب	۴	
۱۸۵	مجموع حوزه سیاست			

تعداد	مفاهیم	زیر حوزه	ردیف	حوزه
۹۷۴	استاندار، بخشدار، فرماندار، دادستان، محضر دار، وکیل، افسر، سرهنگ، سرگرد، گروهان، ژاندارم، سرتیپ، فرمانده، سردار، تفنگدار، آژان، پلیس، کلنل، استوار، سروان، پاسبان، راننده، دکتر، پزشک، پزشک یار، دامپزشک، دستفروش، وزیر، نخست وزیر، پستچی، مهندس، گروهان، حسابدار، فیلمبردار، سرکارگر، محضر دار، عکاس، معلم، اپراتچی، مدیر، ترانشار، پلیس، ناظم، هنرپیشه، دبیر، وکیل، پرستار، خلبان، خبرنگار، گارسون، بازرس، شوهر، رفتگر، حروفچین، مکانیک، ماشین نویس، تکنسین	مشاغل جدید	۱	اجتماع
۶ ۱۰۴	خانه اتحاد، کانون پرورش فکری، انجمن تاتر	انجمن‌ها نقد	۲ ۳	
۴۶	شعار، اعلامیه، اعتصاب، انقلابیگری، تظاهرات، انقلاب، تحصن، نقد اجتماعی، بالای شهر، روشنفکر، استعمار، کودتا، استعمار، دیکتاتوری، پرولتاریا	اجتماعی	۴	
۱۰۷	پارتی بازی، نزول خواری، قاچاقچی، مهاجرت، بیکاری، شرب خمر، قمار، کاباره، شهر، آبارتمان، شهروند، خیابان، خدمات شهری، نهادی شهری	مسائل اجتماعی شهر	۵	
۱۲۳۷	مجموع حوزه اجتماع			
۱۹۵ ۵۰ ۵ ۱۷ ۲۲ ۱۳	سیگار، اسکی، تنیس، ژیمناستیک، گلوب، دنس، سنت شکن آزادی، ملت، قانون، دمکراسی تنهایی، تامل، اضطراب سینما، فیلم، موزیک پزشکی، فیزیک، هندسه، علم مجله، روزنامه، شبنامه	سبک زندگی ارزش‌ها خود هنر عقلانیت و علم مطبوعات	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶	فرهنگ
۳۰۲	مجموع حوزه فرهنگ			
۳۲۶۹	مجموع چهار حوزه			

تفسیر جدول

در بین چهار حوزه بیشترین سهم متعلق به حوزه اقتصاد است اما با یک تغییر و آن اینکه دیگر تکنولوژیهای نظامی در اولویت قرار ندارند بلکه ماشین‌آلات سبک و سنگین با ۴۰۰ مورد احصایی از بیشترین فراوانی در حوزه اقتصاد برخوردار است و از آنجا که این تکنولوژیها بیشتر جنبه مصرفی داشته و به جامعه مصرف‌گرا تعلق دارند ویژگی آینده‌مدرئیت ایرانی را نشان می‌دهند. نگاهی به تکنولوژیهای متفرقه نیز که از حیث فراوانی در ردیف دوم قرار دارد مؤید این معنی است. اما قلت مفاهیم ناظر بر تأسیسات زیربنایی و اقتصاد پولی دال بر ضعف نهادهای بنیادی سرمایه‌داری است. در این حوزه افزایش نسبی مقوله احزاب قابل تأمل است. اما روی هم رفته این حوزه، بازتاب چندانی در آثار درویشیان نداشته است، این قضیه می‌تواند مؤید آراء کسانی باشد که معتقدند مدرئیت ایرانی از ضعف نهادی رنج می‌برد. در حوزه اجتماع فراوانی بلامنازع مشاغل جدید چشمگیر است و حکایت از آن دارد که بواسطه این مشاغل تجربیات جدیدی در حال شکل‌گیری است که گذشتگان فاقد آن بوده‌اند. تجربه بازنشستگی یکی از آنهاست زیرا این تجربه مختص مشاغل دولتی است و مشاغل سنتی از اساس با این مفهوم بیگانه‌اند. بنابراین انعکاس این تجربه در ادبیات مدرن میسر خواهد شد. بیگانگی از کار و متعاقباً از خودبیگانگی نیز از شمار دیگر تجربیاتی است که به مشاغل جدید و نظام سرمایه‌داری پشتیبانشان باز می‌گردد. این تجربه نیز در ادبیات داستانی انعکاس خود را داشته است. همچنین مؤلفه نقد اجتماعی در حال قوت گرفتن است، گویی بواسطه بروز مسائل اجتماعی جدیدی که هم‌بار زندگی مدرن هستند این مؤلفه قاعدتاً می‌بایست افزایش بیابد. اما فراوانی نسبتاً زیاد حوزه اجتماع در مقایسه با حوزه‌های دیگر نباید به غفلت از واقعیت انجمنها و ضعف شدیدشان به عنوان یک نوع سرمایه اجتماعی بینجامد. زیرا این امر یکی دیگر از ویژگیهای مدرئیت در ایران به حساب می‌آید. در مورد حوزه فرهنگ که کمترین فراوانی را داراست باز هم بیشترین موارد احصاء به سبک نوین زندگی باز می‌گردد، البته توجه به ارزشهای مدرنیستی نظیر قانون و آزادی نیز قابل ملاحظه است. با یک نگرش کلی می‌توان گفت آثار درویشیان حاکی از گسترش گسست بین فرآیند فرهنگی و فرآیند اقتصادی است، چرا که نسبت این دو حوزه در آثار بررسی شده به $\frac{1}{5}$

رسیده است، و حاکی از خروج کامل تجربه مدرنیته از توازن اولیه خود است که آثار هدایت بیانگر آن بود.

پی آمد

عمل مدرن به عنوان تیپ ایده‌آل از مختصات خاص خود برخوردار است، و فرایندهای اجتماعی اقتصادی از یکسو و فرایندهای فکری فرهنگی از سوی دیگر محیط این عمل را فراهم می‌آورند. به عبارت دیگر تجربه مدرنیته دو سویه دارد. مدرنیزاسیون سویه عینی آن را تشکیل می‌دهد و مدرنیسم فراهم‌آورنده سویه ذهنی این تجربه است. در واقع دیالکتیک این دو سویه است که به تجربه امر مدرن تعیین می‌بخشد. این دیالکتیک هنگامی در حالت تعادل است که مدرنیزاسیون و مدرنیسم هم‌سنگ هم باشند و یک سویه، سویه دیگر را به نفع خود پس نرانده باشد. تاریخ تجربه امر مدرن در ایران دلالت بر خروج از وضعیت توازن دارد، چنانچه می‌توان گفت ویژگی ممتاز این تجربه در ناموزونی آن نهفته است. گزارشهای ارزشمند نویسندگان و داستان‌نویسان ایرانی از تکوین تاریخی این تجربه حکایت می‌کند و آثار صادق هدایت، جلال آل احمد، محمود دولت‌آبادی و علی اشرف درویشیان ناظر بر این قضیه است. چنانچه ترتیب تاریخی این نویسندگان و آثارشان پرتو دیگری برچند و چون تجربه مدرنیته در ایران می‌افکند. جدول دوبعدی ذیل بیانگر مفاهیم متناظر با مؤلفه‌های چهارگانه‌ای است که هرکدام به نوعی با یک لایه همخوانی دارند و آن را نمایندگی می‌کنند.

حوزه نویسنده	اقتصاد	سیاست	اجتماع	فرهنگ	مجموع
هدایت	۱۱۴	۹۵	۷۵	۱۷۷	۴۶۱
آل احمد	۲۰۹	۲۳۷	۲۰۹	۱۰۷	۷۶۲
دولت‌آبادی	۱۵۹۷	۵۰۶	۱۹۴۸	۵۰۷	۴۵۵۸
درویشیان	۱۵۴۵	۱۸۵	۱۲۳۷	۳۰۲	۳۲۶۹
مجموع	۳۴۶۵	۱۰۲۳	۳۴۶۹	۱۰۹۳	۹۰۵۰

مؤلفه‌های اقتصاد و سیاست با فرایند مدرنیزاسیون مناسبت بیشتری نشان می‌دهند و مؤلفه‌های اجتماع و فرهنگ با فرایند مدرنیسم، به عبارت دقیق‌تر مؤلفه فرهنگ مغز مدرنیته‌ای را تشکیل می‌دهد که اقتصاد غشاء آن است. حال با مقایسه شمار مفاهیم متناظر با مؤلفه فرهنگ نسبت به شمار مفاهیم متناظر با مؤلفه اقتصاد می‌توان به برداشتی نخستین از وضعیت و سهم وجوه ذهنی و عینی در تجربه مدرنیته دست یافت. این نسبت در آثار صادق هدایت تقریباً $\frac{1}{4}$ است. بدین ترتیب گزارش هدایت، که در آغازگاه این تجربه قرار دارد، بیانگر مدرنیته متوازن است. حال آنکه به فاصله‌ای کوتاه در گزارش آل احمد این نسبت، به $\frac{1}{4}$ تقلیل می‌یابد. در واقع مدرنیته از توازن اولیه خود خارج شده و سویه سخت‌افزاری بر سویه نرم‌افزاری تسلط یافته است. بدین ترتیب آل احمد زنگ خطری را به صدا در آورد که بعدها دولت‌آبادی و درویشیان با شدت وحدت بیشتری آن را نواختند. چنانچه نسبت مؤلفه فرهنگ به اقتصاد در آثار دولت‌آبادی به $\frac{1}{3}$ می‌رسد و در آثار درویشیان به $\frac{1}{5}$ فرو می‌نشیند. به هر روی این روند بیانگر آن است که مدرنیته ایرانی در آغاز گاه خود متوازن بوده، اما نقطه تعادل را به سرعت ترک گفته و در سرایش ناموزونی فرو افتاده است. چنانچه داده‌های جدول، علی‌رغم گوناگونی گزارش نویسندگان از واقعیت مدرنیته، حاکی از یک حقیقت است: تکوین تاریخی مدرنیته نامتوازن در ایران.

عزیمت مدرنیته از نقطه توازن و تعمیق روزافزون عدم تعادل اثر خود را در تکوین جامعه‌شناسی ایران برجا گذاشته است. سیطره کمیت‌گرایی بر کیفیت‌گرایی و سنت تنومند تحقیقات کمی در جامعه‌شناسی ایران حکایت از تجربه ناموزون مدرنیته در ایران دارد. چنانچه ویژگی بارز جامعه‌شناسی در مرحله تأسیس (دهه سی و چهل) وجود استادانی است که دغدغه نظریه‌پردازی و جامعه‌شناسی ایران دارند، حال آنکه اساتید مرحله استقرار و توسعه (دهه پنجاه و شصت) بیشتر به تحقیقات توصیفی روی آورده و از مباحث نظری و روشی در عرصه جامعه‌شناسی ایران دور بودند (آزاد ارمکی ۱۳۷۸: ۵۱). تحقیقات انجام شده در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی از سال ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۵۷ نیز مؤید این معنی است، زیرا جامعه‌شناسی روستایی با گرایش تحقیقات

مونوگرافیک، به عنوان یک حوزه با ۲۷ درصد بیشترین سهم رادر بین حوزه‌های مطالعاتی مختلف داشته است، حال آنکه جامعه‌شناسی نظری به عنوان یک حوزه اساساً فاقد تحقیق است و سهم جامعه‌شناسی تطبیقی به عنوان نزدیکترین حوزه به جامعه‌شناسی نظری فقط معادل ۵/۲ درصد از کل تحقیقات انجام شده توسط مؤسسه است (دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران ۱۳۸۱: ۹) بدین ترتیب تجلی عینیت‌گرایی در تجربه‌ی ناموزون مدرنیته در چهره‌ی کمیت‌گرایی جامعه‌شناسی ایران به چشم می‌خورد.

مآخذ

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۰)، مدرنیته ایرانی، تهران، نشر اجتماع.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی در ایران، نشر کلمه.
- اسکارپیت، روبر (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه مرتضی کتبی، تهران، انتشارات سمت.
- برمن، مارشال (۱۳۷۹)، تجربه مدرنیته، ترجمه مراد فرهادپور، تهران، طرح نو.
- برت، ادوین آرون (۱۳۷۴)، مبادی مابعدالطبیعی علوم نوین، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- تودوروف، تزوتان (۱۳۷۷)، منطق گفتگویی میخائیل باختین، ترجمه داریوش کریمی، تهران، نشر مرکز.
- عابدینی، سیدحسن (۱۳۶۹)، صد سال داستان‌نویسی ایران، تهران، نشر تندر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز.
- لوکاج، جورج (۱۳۸۰)، نظریه رمان، ترجمه حسن مرتضوی، تهران، نشر قصه.
- دانشکده علوم اجتماعی (۱۳۸۱)، سیر تحول علوم اجتماعی در ایران، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- Bourdieu, Pierre (1984) *Distinction, :A Social Critique of The Judgement of taste*, Routledge & Kegan Paul, London, Melb Ourne and Henley,
- Cavallo, agauglielmo, and Chartier Roger (1999) *A History of Reading in West*, polity press.
- Griswold, Wendy (2002) *American Character and the American Novel: An expansion of reflection theory in sociology of literature*, in " cultural sociolog", Edited by lyn Spillman, Oxford. Blackwell publishers.
- Griswold, Wendy, *Recent moves in the sociology of literature*, [http: WWW. Questia. Com](http://WWW.Questia.Com)
- Foucault, Michel (1980) *power/ Knowledge: Selected Interviews and other writings 1972- 1977*, pantheon Books, New york.